

حسین سعادت نوری

اعتماد الدوله ها ، حسام السلطنه ها ، ظهیر الدوله ها

اعتماد الدوله ها

میرزا تقی خان اعتماد الدوله

میرزا تقی خان اعتماد الدوله وزیر فعال و کارداران شاه عباس دوم صفوی (۱۰۰۲ - ۱۰۷۷ هـ ق) فرزند شاه صفی بوده که در ده سالگی بسلطنت رسیده . در دوران خریدسالی شاه عباس دوم زمام امور مملکت در دست میرزا تقی خان اعتماد الدوله بود . وی درصدد اصلاح خرابیهای دوره شاه صفی برآمد اما افسوس دیری نپایید که بدست دشمنان خود کشته شد .

حاج ابراهیم خان اعتماد الدوله

حاج ابراهیم کلانتر ملقب باعتماد الدوله از رجال لایق و کارداران لطفعلیخان زند و آقا محمدخان قتلعلیشاه قاجار است . در سال ۱۲۱۳ که فتحعلیشاه بسلطنت رسید یکی از کسانی که در تحکیم مقام او کوشید حاج ابراهیم کلانتر بود . این رجل سیاسی در ۱۲۱۵ مورد غضب واقع شد و در یک روز معین خود و برادران و بیشتر فرزنداناش بامر فتحعلیشاه کشته شدند .

تنها نقطه ضعفی که باین مرد نسبت میدهند خیانت او به لطفعلیخان زند میباشد . در صورتی که شاید نظر او از همراهی با آقا محمدخان منحصر ازلحاظ وطن پرستی بوده ، واعتماد الدوله شیرازی لطفعلیخان زند را با همه رشادت و جلالت مرد میدان سلطنت ، آنهم در آن دوره ای که آشوب طلبان ازهر سو مملکت را در معرض مخاطره قرار داده بودند نمیدانسته است ، کما اینکه آقا محمدخان - صرف نظر از سفاکیها - ایران را از خطر تجزیه نجات داد واستقلال کشور را حفظ کرد .

آقای محمود محمود در جلد اول تاریخ روابط ایران وانگلیس مینویسد : « گناه غیر قابل عفو این مرد نامی آن بود که مانع شد فتحعلیشاه پیشنهاد های مهدی علی خان بهادر جنگ فرستاده فرمانفرمای هندوستان را عملی کند یعنی نگذاشت شاه ایران بافغانستان لشکر کشیده آن قسمت از قلمرو کشور خویش را خراب و ویران نماید .

این گله را سال بعد سر جان ملکم از صدر اعظم ایران کرد که چرا مانع شد شهریار ایران انتقام شیعه های افغانستان را از افغانهای سنی بکشد . صدر اعظم جواب داد سیاست از مذهب جداست و صلاح نبود شاه یک قسمت از مملکت خود را ویران و سکنه آنرا قتل عام نماید . از این جواب سر جان ملکم صدر اعظم ایران را شناخت و بافکار او آشنا شد .

میرزا آقاخان اعتماد الدوله

اسم اصلی او میرزا نصرالله فرزند میرزا اسدالله نوری است . میرزا آقاخان از اواخر سلطنت فتحعلیشاه وزیر لشکر و مصدر کار بوده و حتی برای پدرش نزد شاه سعایت میکرده است . در زمان محمد شاه همراه اردو بهرات رفته و در مراجعت باشاوه حاج میرزا آقاسی از کار برکنار و بکاشان تبعید میشود .

وی در زمان ناصرالدین شاه بطهران مراجعت و هنگام قیام سر بازان تبریزی مقیم پایتخت آتش فتنه‌ای را که خود درخفا دامن‌میزده خاموش می‌کند و بتقاضای امیر کبیر لقب اعتمادالدوله باو داده میشود. یکی از عوامل مؤثر بر کناری امیر کبیر از مقام صدارت و قتل او در حمام فین کاشان همین عالیجناب بوده است. بعد از امیر کبیر بمقام صدارت منصوب و بالاخره روز بیستم محرم الحرام ۱۲۷۵ منفصل میشود. شرح خسارتی که در اثر خیانت این مرد نالایق بایران وارد آمد از حوصله این سطور خارج است. مرحوم عبدالله مستوفی در جلد اول تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه مینویسد تنها کار مفیدی که شاید در دوره صدارت او اتفاق افتاد ورود تخم برنج مخصوصی از هندوستان و کشت آن در املاک او درمازندران است که چون با آب و هوای ایران سازگار بوده خود بخود ترقی کرده و با سم برنج صدوری معروف شده است.

میرزا عیسی خان اعتمادالدوله

میرزا آقاخان پس از دریافت دستخط عزل به «آدران» ملکی خود در شهریار میرود و به دوستلیخان معیرالممالک (جد جناب آقای دوستعلی معیر) مأموریت داده میشود اثنایه صدارت مانند شمشه و جبهه مروارید دوز و قلمدان و عصای مرصع را از او بگیرد. میرزا آقاخان در مقابل بقایائی که داشته مبلغی را نقد پرداخت و در عوض باقیمانده «آوران» را که دارای عمارت بالنسبه عالی بوده بدولت واگذار می‌کند. وضع میرزا آقاخان پس از انفصال چنان رو به تباهی میرود که ناصرالدین شاه منتظر مرگ او هم نمیشود و لقب اعتمادالدوله را از او سلب میکند و این لقب را به عیسی خان معروف به والی حاکم اصفهان و قوم و خویش مادری خود میدهد.

میرزا یحیی خان اعتمادالدوله

میرزا یحیی خان اعتمادالدوله قرا گوزلو برادر علیرضا خان بهاء الملک همدانی و خواهرزاده ابوالقاسم ناصرالملک نایب السلطنه است که در بیست و سوم دیماه سال ۱۳۰۶ هجری شمسی بعد از مرحوم سید محمد تدین بوزارت فرهنگ منصوب شد. وی از رجال تحصیل کرده اوایل سلطنت شاهنشاه فقید است که در دوران وزارت از دریافت حقوق خود داری و آنرا همه ماهه بفرهنگ بلوچستان و بمنظور پیشرفت معارف آن سامان اهداء می‌نمود (۱).

حسام السلطنه ها

محمد تقی میرزا حسام السلطنه

محمد تقی میرزا حسام السلطنه فرزند فتحعلیشاه است که مادرش از طایفه بختیاری و مریم خانم

۱ - مرحوم اعتمادالدوله مردی بود ادب‌دوست و با صفا و متمول و بسیار مؤدب. نخستین زبیری که کتابهای فرهنگی را بچاپ رساند، او بود. نه تنها حقوق خود را از وزارت فرهنگ نمی‌گرفت بلکه از خود هم مبلغی بفرهنگ می‌داد. حتی به دوسه تن از محصلین فقیر که بندهم آنان را معرفی کرده بودم ماهانه می‌داد. روزی که از وزارت فرهنگ برکنار شد، راضی و خوشحال بود. تصور می‌کنم وفات او در سال ۱۳۱۵ شمسی اتفاق افتاد. مدفنش در همدان است در یکی از باغ‌های خودش در بیرون شهر، و من مخصوصاً بزارش رفتم و فاتحه خواندم. رحمه الله علیه. از دوستان بسیار نزدیک او یکی آقای دکتر نصرالله کاسمی است که آن روز دانشجو بود و امروز وزیر است. (مجله یغما)

خواهر پشت و کالبدی او زن رستم خان برادر اللهیارخان آصف الدوله بود. محمد تقی میرزا در حیات پدر حکومت عراق را داشته و فتح‌المشاه ویرا کدخدای کل عراق خطاب میکرده است. این حسام‌السلطنه گاهی با برادرهای دیگر که حاکم ولایات مجاور بودند اختلاف پیدا میکرده و کار بجنگ و جدال میکشیده و فتح‌المشاه مجبور بوده است یک نفر را از مرکز برای برقراری نظم به عراق و بروجرد بفرستد.

محمد تقی میرزا خیلی خسیس و محسنت بوده و صاحب تاریخ عضدی مینویسد یک روز واعظی در حضور شاهزاده بالای منبر دعا میکند که آلهی دولت حسام‌السلطنه را بقائم آل محمد علیه السلام برسان. ابو سعید میرزا پسرش از بانیین منبر در حضور جمع فریاد میکند که دعا ضرورت ندارد زیرا این دعا ناکرده باشد مستجاب دولتی را که نه خودش صرف کند نه بما بدهد مسلماً متعلق بقائم آل محمد خواهد بود.

پس از جلوس محمد شاه بتخت سلطنت محمد تقی میرزا دستگیر و با چند تن از برادران و برادر زاده‌ها بقلعۀ اردبیل فرستاده میشود.

سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه

سلطان مراد میرزا فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه است که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه حاکم مشهد شد و غائله محمد حسن خان سالار پسر اللهیارخان آصف الدوله را مرتفع کرد و حقاً بحسام‌السلطنه ملقب شد. این شاهزاده از رجال لایق و شجاع و سرداران رشید قاجاریه و همان کسی است که سرانجام هرات را باوجود همه کارشکنیهای داخلی و خارجی فتح کرد و به فاتح هرات معروف شد.

این شاهزاده دلیر و غیرتمند چندین بار حاکم خراسان شد اما افسوس که زمامداران وقت مخصوصاً میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری و حاج میرزا حسین خان سیهسالار با او مخالف بودند و بدستور بیگانگان از پیشرفت نقشه‌های مفید و سودمند او جلوگیری بعمل میآوردند. شرح حلیات قابل تحسین این سردار بزرگ از حوصله این سطور خارج و مستلزم آنست که بتفصیل در مقاله جداگانه نوشته شود.

سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه روز دوشنبه دوم جمادی الاول ۱۳۰۰ قمری چشم از جهان پوشید درحالی که قرار بود در همان روز برای ششمین بار بشهید مقدس برود.

ابونصر میرزا و جهانگیر میرزا

بعد از مرگ سلطان مراد میرزا لقب حسام‌السلطنه به پسرش ابونصر میرزا داده میشود که نویسنده از حالات او اطلاعی ندارد، و سپس این لقب را بجهانگیر میرزا مراد پسر ابونصر میرزا میدهند. آقای روح‌الله خالقی استاد تار و نویسنده معروف در جلد اول کتاب سرگذشت موسیقی مینویسد:

«جهانگیر میرزا درسال ۱۲۶۰ متولد گردیده و از کودکی بهنرهای زیبا علاقمند بوده و از درباریان دستگاه مظفرالدین شاه بشمار میرفته است. وی درباغ کاشانک شمیران و در حاشیۀ گلکاریهای قشنگ و زیبای آن ارباب ذوق و هنر را پذیرائی میکند و در همین باغ نوازندگی ویولون

را نزد مرحوم تقی دانشور (اعلم السلطان) فرا گرفته است. جهانگیر میرزا با مرحوم عارف و شادروان ملک الشعراء بهار آمیزش داشته و آهنگ یکی دو تصنیف معروف شاعر اخیرالذکر در دستگاه شور و ابوعطا از او است. وی علاوه بر ویولون به پیانو و عود و سه تار نیز آشناست و سوت هم خوب میزند. این شاهزاده با اینکه از سنش قریب بهفتاد و پنج سال میگذرد هنوز هم لطف و ذوق و شور و نشاط جوانی را از دست نداده است.

ظهیرالدوله‌ها

ابراهیم خان ظهیرالدوله

ابراهیم خان قاجار ملقب به ظهیرالدوله و متخلص به طغرل پسر مهدیقلی خان برادر آقامحمد خان قاجار است. پس از اینکه آقامحمدخان این برادر را کشت زوجه او را باطغش ابراهیم خان به باباخان (فتحعلیشاه) سپرد.

فتحعلیشاه با بیوه عموی خود ازدواج کرد و از این مزاجت دو دختر و یک پسر بنام محمد قلی میرزا ملک آراء بوجود آمد. پس ابراهیم خان ظهیرالدوله برادر مادری ملک آراء و پسر خوانده و پسر هموی فتحعلیشاه است.

ابراهیم خان ظهیرالدوله در زمان فتحعلیشاه حاکم کرمان شد و تا پایان عمر این مقام را حفظ کرد و در شهر کرمان آثار خیری از قبیل مسجد و حمام و بازار و آب انبار از خود برجای گذاشت. وی در سنه یکهزار و دوست و چهل هجری در تهران بدرود زندگی گفت و از او بیست و یک دختر و بیست پسر باقی ماند. از فرزندان معروف او حاج محمد کریم خان رئیس طایفه شیخیه است. ظهیرالدوله همسرهای متعدد داشته و یکی از آنها همایون سلطان مشهور بخانم خانمان دختر فتحعلیشاه خواهر اعیانی حسین علی میرزا فرمانفرما و حسنعلی میرزا شجاع السلطنه بوده که از او دو پسر بنام عباسقلی میرزا و ابوالفتح میرزا داشته است.

یارمحمدخان ظهیرالدوله

یارمحمد خان وزیر کامران میرزا در اواخر سلطنت محمد شاه چون نخواست زیر بار دولت انگلیس برود بدولت ایران متوسل شد و در اوایل عهد ناصری بر اثر تدابیر امیر کبیر خود را تحت اختیار دولت ایران قرارداد. در فتنه خراسان و قیام حسن خان سالار علیه حکومت مرکزی یارمحمد خان بکامق قوای ایران شتافت و از طرف دولت لقب ظهیرالدوله گرفت و در سال ۱۲۵۷ پس از کشتن کامران میرزا حاکم مستقل هرات و فراه و اراضی مجاور شد.

ظهیرالدوله در سنه ۱۲۶۷ بدستور امیر کبیر بسر کوبی خوانین متمرد بلوچستان رفت و در مراجعت قبل از رسیدن بهرات در شوال همان سال بمرد و پسرش حمید محمد خان جای او را گرفت و از جانب دولت ایران بلقب پدرش ظهیرالدوله ملقب گردید.

حمید محمد خان ظهیرالدوله

حمید محمد خان ظهیرالدوله در سال ۱۲۷۲ هجری بتحریک بیگانگان بدولت ایران که باو و پدرش مرحمت بسیار کرده بود از در عصیان درآمد، و چندین بار بجدود قاینات و تربت و طبس حمله

کرد و سکنه آن نقاط را قتل و غارت نمود ولی هر دفعه بدست امیر علم خان سردار قاین مغلوب و منکوب شد. چون در هرات هم رفتار او با مردم خوب نبود بزرگان آنجا محمد یوسف میرزا را از مشهد بهرات خواستند و او بکمک ایل هزاره هرات را گرفت و حمید محمد خان را با مادر و خواهرش کشت و نسبت بدولت ایران از دراطاعت درآمد و دولت ایران هم فرمان حکومت هرات را بنام او صادر کرد. در همین دوران دوست محمد خان متوجه هرات شد و محمد یوسف میرزا از ایرانیان کمک خواست و حسام السلطنه مأمور هرات شد و سرانجام فتح هرات بدست این سردار رشید قاجاریه صورت گرفت.

محمد ناصر خان و علیخان ظهیرالدوله

محمد ناصر خان قاجار ملقب به ظهیرالدوله وزیر دربار ناصرالدین شاه و پسر ابراهیم خان سردار پسر جان محمد خان ایلخانی ایل قاجاریه پسر قراخان است که بعد از مرگ او پسرش علیخان باین لقب ملقب گردید.

علیخان ظهیرالدوله ملقب بصفا علیشاه از مریدان حاج میرزا حسن صفی علیشاه و خلیفه و جانشین اوست. مرحوم ظهیرالدوله در شانزدهم ربیع الاول سنه یکهزار و دوست و هشتاد و یک هجری در جمال آباد شمیران متولد گردیده و در سن شانزده سالگی بمصاهرت ناصرالدین شاه نایل آمده است. وی از مردمان نیک بود و انجمن اخوت برادران بهمت او تأسیس گردید.

ظهیرالدوله در زمان محمد علیشاه حاکم گیلان بود و چون از مشروطه خواهان حمایت میکرد منزل او را که در میدان بهارستان بود موقع بمباران مجلس بتوپ بستند و اثاثیه گرانبهای او را غارت کردند. علیخان ظهیرالدوله در هفتمه آخر ذی قعدة سنه یکهزار و سیصد و چهل و دو قمری بسرای جاودانی شتافت و آرامگاه او در سر راه تجریش به امام زاده قاسم شمیران مطاف اهل ذوق و عرفا و درویش است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ادیب صابر ترمذی
قرن ششم

ز کردگار بترس

ز روزگار حذر کن، ز کردگار بترس	و گرت بر همه آفاق دسترس باشد
چو روزگار بر آشفتم کرد کار گرفت	زوال دولت تو در یکی نفس باشد
نه کردگار بتدبیر خلق کار کند	نه روزگار بفرمان هیچکس باشد!